

دور دنیا

من که به شما گفته بودم

● موضوع دخالت روس‌ها و به ویژه ولادیمیر پوتین در انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا و نقش احتمالی آنها در روی‌کارآمدن ترامپ و شکست هیلاری کلینتون موضوعی است که ظاهراً تمامی ندادار و معلوم نیست بالاخره چه زمانی نتیجه تحقیقات در مورد آن مشخص می‌شود و آیا در سرنوشت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، تأثیری خواهد داشت یا نه. تازه‌ترین نظر را در این مورد اخیراً یک شطرنج‌باز سرشناس بر زبان آورده است. گری کاسپاروف، قهرمان سابق شطرنج جهان که در اصل آذربایجانی و متولد باکو است و در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق او را به‌عنوان قهرمان روس می‌شناختند، در کنفرانسی خطاب به آنهایی که دخالت روسیه در انتخابات اخیر آمریکا را پیش‌بینی نکرده بودند، گفت: «من که به شما گفته بودم». به گزارش یاهونیوز، کاسپاروف در جریان کنفرانسی در نیویورک با موضوع کنشگری مدنی گفت: «من بیشتر از ۱۷ سال است که دارم خیلی چیزهای مشابه درباره ولادیمیر پوتین می‌گویم». وی تأکید کرد که مدام سعی کرده نگرانی‌هایش را درباره رئیس‌جمهور روسیه به گوش هرکسی که علاقه‌مند است، برساند. کاسپاروف در سال ۲۰۱۵ کتابی با عنوان «زمستان در راه است» نوشته و ضمن آن هشدار داده بود که پوتین روزبه‌روز بیشتر به‌عنوان یک دیکتاتور در صحنه جهانی خود را نشان خواهد داد. در کنفرانس یادشده همچنین چهره‌هایی مانند مایک بلومبرگ، شهردار نیویورک، کری کندی، فعال حقوق بشر و دیوید هاک، دانش‌آموز و ازاجان به‌دربردگان ماجرای تیراندازی دبیرستان مشهور فلوریدا که اکنون از فعالان مبارزه با قانون آزادی اسلحه در آمریکاست، حضور داشتند.

اتفاق

آسیب‌شناسی کپی‌رایت

● همایش «آسیب‌شناسی کپی‌رایت و حقوق مالکیت فکری و معنوی» با موضوع چرایی نپیوستن ایران به معاهده جهانی کپی‌رایت، امکانات و ظرفیت‌ها و راهکارهای رفع این خلا قانونی، از سوی انجمن صنفی داستان‌نویسان استان تهران و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود. در این همایش دوره‌زه که شهریورماه امسال در کاشان برپا خواهد شد، موضوع کپی‌رایت به‌عنوان یکی از غدغه‌های اصلی اهالی فرهنگ مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

شترن روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۷ • ۱۴ رمضان ۱۴۳۹ • ۳۰ می ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۶۱ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۴ • اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنارضا

کارتون خواب



ملت بزرگوار و شریف ایران

برگزاری آیین سالانه و با شکوه ۱۴ خرداد در فضایملکوتی ماه میهمانی خدا و در پرتو فیوضات شهباهی قدر در راه است. مراسمی که نمایش اوج قدرشناسی و تجلیل شما مردم مومن و با وفای ایران از منادی آرمانهایی است که ۴۰ سال پیش برای تحقق آنهاپیا خستیدو در حالی که بزرگترین قدرتهای جهان به مصاف آمده بودند در عین ناباوری جهانیان، پیروزی و تحقق نصرت الهی را درآغوش گرفتید و به گواهی صادقانه تاریخ، در طول ۴ دهه گذشته نیز شما مردم با صفای ایران با هوشمندی و استقامت خیره کننده خویش تمامی توطئه ها و نقشه های دشمنان را نقش برآب ساختید و آرزوی براندازی نظام اسلامیات را بر دل آنان نهادید و در تمام این سالها، آموزه ها، رهنمودها و وصایای رهبر کبیر انقلاب اسلامی(سلام الله علیه) به مثابه درسنامه ایستادگی و استقامت، سربلندی و آزادیگی و استقلال و اقتدار

میهن عزیزمان مهمترین پشتوانه معنوی‌راه‌طی‌شده پرافتخارمان بوده‌است.شاهداین حقیقت:امنیت، اقتدار و پیشرفت‌های انکارناپذیر کشورمان در منطقه آشوب زده خاورمیانه است که خار چشم حسودان و دشمنان گردیده است.

اینک در آستانه چهل سالگی تأسیس نظام جمهوری اسلامی و در شرایطی که آمریکا در نهایت‌انزوای بین‌المللی با اعتراف به شکست طرحهای گذشته اش دشمنی دیرینه خود با ملت ایران را علنی تر ساخته، بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازخوانی درسهای مکتب امام و مهمترین رمز موفقیت آن یعنی وحدت کلمه و اعتصام به حبل الله هستیم؛ همان اتحادی که کارکرد معجزه گونه آنرا در طوفان حوادث پس از پیروزی انقلاب و در ۸ سال دوران دفاع مقدس و دیگر میدانهای سخت رویاروی با فشارها و توطئه های دشمنانمان در ۴۰ سال گذشته بارها آزموده‌ایم. آری، وحدت و همدلی آحاد شما ملت بزرگ ایران در برابر اقدامات خصمانه و رجزخوانیها و خیالپردازیهای اخیر دولت آمریکا و همپیمانان ذلیل منطقه ای آن، و همصدایی یکپارچه شما مردم سرافراز ایران با رهبری فرزانه و مسئولان دولت مورد اعتماد خویش در مصاف با شرایط جدید، پشتوانه‌ای نیرومند برای تثبیت حقوق حقه ایران و پیشبرد اهداف دیپلماسی عزتمندانه دولتمردانمان در منزوی تر ساختن بیش از پیش دولت متوهم آمریکا می باشد و بدون تردید به فضل الهی و با اعتماد به وعده های تخلف ناپذیر خداوند متعال، ان‌شاءالله ملت بزرگ ایران از این میدان نیز همچون گذشته با سربلندی بیرون خواهد آمد.

گردهمایی میلیونی پیروان امام خمینی(س) در مراسم بزرگداشت ۱۴ خرداد در سراسر کشور و در حرم مطهر آن عزیز را حل در سال جاری، عرصه نمایش این همدلی و همبستگی ملی است؛ همچنانکه طنین این حضور پرشکوه، پشتوانه ای است معنوی در آستانه برگزاری روز قدس در حمایت از مقاومت جاتانه ملت مظلوم فلسطین که علیرغم سکوت و خیانتهای برخی دولتهای خود فروخته منطقه، در خط مقدم مقاومت در مقابل توطئه آمریکایی مصادره هویت قدس شریف و در برابر جنایتهای رژیم صهیونیستی فداکارانه به قیام برخاسته‌اند.

البته اسواج حضور پرنشاط و خیره کننده میلیونها پیرو امام در مراسم ۱۴ خرداد در سراسر کشور شهادی است عینی بر این حقیقت که رهبر معظم انقلاب فرمود: «امام را حل اگرنه به جسم اما با فکر و راه و وصیت همیشه زنده خود در کنار ماست و زنده است و به فضل و قدرت خدا هیچ قدرتی نخواهد توانست این حضور و این حیات را سلب کند و جمهوری اسلامی را از پدر و بنیانگذار و معلم بزرگ خود جدا سازد».

ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی(سلام الله علیه) با دعوت از عموم طبقات شریف ملت، علما و فضلاء اعلام، فرهنگیان و دانشگاهیان، خانواده های معظم شهیدان و ایثارگران و خصوصا جوانان پرشور و متعهد کشورمان برای شرکت در این مراسم معنوی و پرشکوه که با حضور سفرای کشورهای خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران و مسئولان عالیترتبه نظام و اعضای بیت شریف حضرت امام برگزار می گردد ضمن اعلام آمادگی برای ارائه خدمات به زائرین محترم و گرامیداشت مقدم یکایک شما زائران عزیز، به اطلاع میرساند:
برنامه رسمی مراسم روز ۱۴ خرداد از ساعت ۱۷:۳۰ در حرم مطهر با تلاوت آیات قرآن مجید و مداحی و عزاداری آغاز و سپس هنگان از بیانات مهم و ارزشمند رهبر فرزانه انقلاب اسلامی بهره مند خواهند شد.

- همچنین مراسم ویژه شب ۱۴ خرداد و شب ضربت خوردن حضرت مولای متقیان امیر المومنین علی علیه السلام از ساعت ۲۲:۳۰ در جوار حرم مطهر آغاز و مراسم ویژه احیاء توسط حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید ابراهیم هاشمیان برگزار می گردد.
- مراسم شب ۲۱ ماه رمضان و شهادت حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام و عزاداری از ساعت ۲۲:۳۰ آغاز و برنامه احیاء توسط حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای ناطق نوری برگزار می گردد.
- مراسم شب بیست و سوم رمضان و دعای ابوحمزه ثمالی و احیاء توسط آقای حاج مهدی منصوری از اصفهان برگزار می شود.

آدرس: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان یاسر، کوچه سوده، پلاک ۵، ستاد بزرگداشت حضرت امام خمینی(س)	
کمیته پشتیبانی و نشریات: ۰۲۱۲۶۱۱۹۸۲۴-۱۵	کمیته روابط عمومی: ۰۲۱۲۶۱۱۹۸۲۱
کمیته فرهنگی: ۰۲۱۲۲۲۸۵۲۰۴	نامبر: ۰۲۱۲۶۱۱۹۸۲۲
پایگاه اطلاع رسانی: jamaran.ir	پست الکترونیک: news@jamaran.ir پرتال امام خمینی: imam-khomeini.ir

ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی(س)



امان الله قری‌ابی‌مقدم

آموزش‌وپروورش ما این‌روزها به اندازه گذشته روی صلاحیت معلمان تعمق نمی‌کند. در زمان گذشته، در ایران و در شهر تهران دانش‌سرای عالی را داشتیم که حتی قبل از دانشگاه تهران، در سال ۱۲۹۷ تأسیس شد و امروز دانشگاه خوارزمی نام گرفته است. در آن دانش‌سرا، معلمان علاوه‌بر قبول‌شدن در کنکور، پالایش جسمانی و اخلاقی نیز می‌شدند. شخصیت‌های برجسته و بزرگواری بودند که افراد ورودی به دانش‌سرا را به دقت از جنبه اخلاقی و جسمی و روانی مورد بررسی قرار می‌دادند و به جزئیات توجیه می‌کردند. این مکان، دانشگاهی مانند اکول دو فرانس در فرانسه و وظیفه‌اش فقط تربیت دبیر بود. در‌حال‌حاضر نیز دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه فرهنگیان وجود دارند، اما دیگر به اندازه آن زمان دقت و موشکافی برای تشخیص صلاحیت و شایستگی صورت نمی‌گیرد. با کمرنگ‌شدن این معیارها اکنون هر شخصی که از

میدون و سوفیا

کاش اخلاق گوسفند بود



پوریا عالمی

امروز در ستون طنز داستان‌های عاشقی - سیاسی میدون و سوفیا را گل می‌گیریم و به فاجعه‌ای اخلاقی - اجتماعی که متأسفانه کم‌کم شنیدن اخبار آن در جاهای مختلف و به

شکل‌های متفاوت، دارد تبدیل به یک روال عادی می‌شود، می‌پردازیم:

...
خبر تجاوز در یکی از مدارس تهران و انتشار فیلمی که ناظم مدرسه به وقیحانه‌ترین شکل ممکن با بچه‌های مدرسه در دفتر مدرسه از امیال و افکار خود سخن می‌گوید، خانواده‌ها را نگران کرده است. اینکه این ناظم چه کرده به این قلم نمی‌آید. لفظ در اینترنت جست‌وجو کنید. بعد از خبر، حس‌ها و گمانه‌زنی‌ها شروع شد. گفته شد: «مدرسه قرار است کلا بسته شود. مدیر عزل شده و ناظم گویا، با وثیقه آزاد شده است». بعد مردم اعتراض کردند و در نهایت طبق اظهارنظر آموزش‌وپروورش، این ناظم خطاکار بازداشت است و علاوه‌بر شکایت خانواده‌ها از او، خود آموزش‌وپروورش هم شکایتی را علیه ناظم تهیه‌کار تنظیم کرده است.

...
عزیزان و دانشمندانی که آگاه‌سازی کودکان و افراد جامعه را ترویج بی‌بندوباری و آموزش بی‌حیایی به کودکان دانسته بودند، آیا می‌دانند اینکه کودکان حتی اگر از طرف افراد مورد وثوق، مثل افراد خانواده و اولیای مدرسه و آشنایان مورد تعرض قرار گرفتند، نیاز به آگاهی جنسی دارند تا دانا و آگاه باشند که تشخیص وضعیت دهند؟ و همچنین ترس از بازگوکردن نداشته باشند؟

...
چندوقت پیش هم موی دختری را کوتاه کردند که ناظم تحریک نشود. به نظر ما اگر قرار است چیزی کوتاه شود، حتما موی دختران نیست، چون کودکان که کنایه ندارند.

...
افکار عمومی می‌گویند از کجا معلوم که ناظم خطاکار که گفته می‌شود پرنفوذ بوده و از نفوذش بهره برده و منفذی ساخته تا با قید وثیقه وایرهد، به سزای اعمالش خواهد رسید؟ آنان افرادی را در طول تاریخ ممکن است گوشه ذهن خود داشته باشند که وارهیدند. ازهمین‌رو این سؤال را می‌کنند. از این سؤال که بگذریم باید یادآوری کنیم چندی پیش گوسفندزدی سخت مجازات شد تا درس عبرت دیگر گرسگان باشد که گوسفند نذرند. آیا دبح‌شدن اخلاق همچون گوسفند نیاز به درس عبرتی ندارد که حساب کار به دست بیماران جنسی بیاید؟

...
درواقع خانواده‌ها برای اینکه آب در دل کودکانشان تکان نخورد، با خیال راحت بچه را به مدرسه می‌فرستند، اما وقتی پنه این ناظم تبهکار روی آب افتاده، خانواده‌ها می‌پرسند اگر این اوصاف نظام آموزشی و ناظم آن است، عاقبت کودکان و مملکت جز حدیث چشم پرآب خواهد بود؟ درواقع وقتی امروز آب سربالا رفته، از کجا معلوم که قورباغه آینده جامعه ابوطع نخواهد خواند؟

...
به نظر ما چنین خطاهای نابخشدونی اخلاقی‌ای که بین بزرگ‌سال و خردسال اتفاق می‌افتد - آن هم نه یک مرتبه و به صورت مستمر در طول چند سال و با چندین کودک - بیش از هرچیز حاصل پو یا‌دادورده و زندگی بی‌زحمت و همچنین دگرگمی به پشت‌گرمی‌ای است که ما از آن بی‌خبریم وکرنه آدم عادی ممکن است یک‌بار پایش بلغزد؛ مثلاً دزدی کند یا بی‌اخلاقی کند، اما ترس از آبرو و ترس از مجازات و بی‌همه‌چیزشدن او را می‌خکوب خواهد کرد. وقتی کسی ترس از آبرو و مجازات ندارد و مطمئن است بی‌همه‌چیز نخواهد شد، با خیال راحت می‌تواند به همه‌چیز دیگران بازی کند. وقتی ارزش‌های اخلاقی بی‌اعتبار شده باشند و قبح بی‌اخلاقی فردی و اجتماعی رخت‌ها باشد، به‌سختی می‌توان با شعارهای ناهنجار اخلاقی و چهارتا بیل‌بورد و چهارتا سربال آبیکی و شعارزده، بنیان جامعه را برپا نگه داشت. جامعه به‌جای ناظم تبهکار و مربی اخلاق بلندگوبه‌دست، نیاز به قوام فرهنگی و آگاه‌سازی و همچنین درونی‌شدن ارزش‌های اخلاقی و پذیرفتن برابری حقوق فردی و انسانی دارد.

پیشنهاد

شب نهج‌البلاغه



ولی همچنان در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و مراکز علمی و فرهنگی، به تدریس نهج‌البلاغه ادامه می‌دهد. نشانی: بزرگراه شهید حقانی (از غرب به شرق) بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی ایران، مرکز همایش‌ها (تالار فرهنگ).

برگزار می‌شود. استاد محمدمهدی جعفری از اوایل دهه ۴۰ پژوهش درباره نهج‌البلاغه را آغاز کرد. ولی پیش از آن در سال ۱۳۴۵ به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی ترجمه کتاب «علی بن ابی‌طالب» نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود را آغاز کرد که در سال ۱۳۵۴ در هشت مجلد توسط شرکت انتشار به چاپ رسید. او در سال ۱۳۸۵ با رتبه استادی از دانشگاه شیراز بازنشسته شد.

دومین شب از شب‌های ماه رمضان کتابخانه ملی ایران با همکاری مجله بخارا اختصاص یافته به کتاب شریف «نهج‌البلاغه». سخنران این مراسم استاد محمدمهدی جعفری است که از نهج‌البلاغه‌شناسان بنام در ایران هستند. مراسم «شب نهج‌البلاغه» در ساعت شش بعدازظهر چهارشنبه نهم خرداد ۱۳۹۷ در مرکز همایش‌های کتابخانه ملی (تالار فرهنگ)

سلام به فردا

آموزش‌وپروورش باید منزهِترین جایگاه باشد

بوده‌اند، توجه کرد. مسئله دیگری که باید در ارتباط با مشکلات آموزش‌وپروورش و مدارس به آن توجه کرد، این است که جامعه دچار آتومی شده است. بیماری روحی و روانی فراگیر شده و ذهنیت برخی از افراد بیمار شده و پایبندی به اصول و اخلاقیات و معنویات کم‌رنگ شده است. معلم یا استاد باید به دانش‌آموز خود مثل دختر یا پسر خود نگاه کند. در غیر این‌صورت مسائلی مانند آنچه این روزها نمونه‌هایش را در اخبار می‌شنویم، اتفاق می‌افتد. گسترش مسائلی مانند تجاوز در این محیط‌ها ناشی از ابتلای جامعه به همین آتومی و فروریختگی و سست‌شدن معیارها، هنجارها و ارزش‌هاست. نظام آموزشی باید منزهِترین جا باشد و معلم باید پاک‌ترین و منزهِترین شخصیت باشد، ولی مشکلات از بخش‌های دیگر در اینجا نیز رسوخ پیدا کرده و مسائلی را پدید آورده است که شاهدشان هستیم. درحال‌حاضر به دلیل نفوذی که رسانه‌ها، به‌ویژه فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند، کافی است کوچک‌ترین خطایی صورت بگیرد تا بزرگ و آکراندیسیمان شود و در سراسر دنیا پخش شود. فضای مجازی اکنون دیوارها را فروریخته است و دیگر دیواری وجود ندارد. افرادی که از این نکته غافلند، مرتکب اشتباه بزرگی می‌شوند.

زنانی که من دیده‌ام

پادشاهی مونا و بادی

زهرآ عمرانی

دیروز صدای زنگ در خانه آمد. پستیچی بسته‌ای آورده بود. آدرس و نام گیرنده، به لاتین روی جعبه نوشته شده بود. سال‌ها بود که بسته‌ای از آن طرف آب نگرفته بودم. کنجکاو و خوشحال بازش کردم. رومیزی دستپای سوزن‌دوزی به‌همراه یک کارت. محتوایش این بود که با وجود علاقه فراوانی که داشتند تا در شادی ما شریک شوند و عشقی که نسبت به دیدن کشور ایران دارند، در‌حال‌حاضر امکان سفر نداشتند، اما دوست داشتند هدیه‌ای به یادگار برای ما بفرستند.

فرستنده‌ها زن و مردی حدوداً ۷۰ ساله بودند. نام خودشان را مونا و بادی گذاشته‌اند؛ بادی به معنای همراه. «مونا دو سال است که کارش را رها کرده و همسرش چندسال قبل‌تر بازنشسته شده بود. آنها تصمیم گرفتند به رومانی بروند. در بهار دو سال پیش خانه‌شان را فروختند و در تیرماه همان سال، از شهر آرآنچه به آنها تعلق داشت، به‌جز اشیائی که در ماشین جا می‌شد، خلاص شدند. داستان آنها با سفر از غرب به شرق شروع می‌شود. در راه به دوستانشان در شهرهای مختلف سر می‌زنند تا به ساحل شرقی آمریکا برسند. آنجا ماشین خود را از طریق کشتی به مقصد فرستاده و خود به سمت رومانی پرواز می‌کنند». این متن کوتاهی است که در معرفی خودشان در وب‌لاگشان گذاشته‌اند. زن و مردی در آستانه ۷۰ سالگی، هر دو بازنشسته؛ بعد از یک عمر سخت‌کوشی، حالا فصل جدیدی از زندگی خود را زندگی کرده‌اند و این فصل جدید، چنان ماجراجویانه و جذاب است که می‌خواهند آن را با دنیا به اشتراک بگذارند. یک‌بار دیگر می‌نویسم ۷۰ سالگی و چهره پرچین مونا و دست‌های لرزان‌اش را به یاد می‌آورم و موها و سبیل یکدست سفید بادی را. این‌همه شور زندگی و اشتیاق برای کشف ناشناخته‌ها و نوشتن از جام زندگی تا جرعه آخر، تحسین‌برانگیز است. بخت با من یار بود تا این دو نفر را چند سال پیش‌تر ببینم؛ زمانی که نه‌چندان جوان، اما میان‌سال بودند. هر دو کامی‌کردند. مونا به‌عنوان مهندس در یک شرکت هواپیماسازی و همراش، به‌عنوان آشیز. انتخاب کرده بودند که فرزند نداشت‌ه باشند و به قول خودشان «عشقشان را صرف حیوانات و بچه‌هایی که از خانواده‌هایشان دور هستند می‌کردند». وقتی من دیدم‌شان، سگشان، بعد از ۱۴، ۱۵ سال مرده بود. هرچند سخاوت و دل‌نبستن به دنیا زیباترین ویژگی وجودی‌شان بود، اما ازدست‌دادن حیوان هم‌خانه هرازگاهی اشکی به چشمشان می‌آورد. در جوانی هر دو هییی بودند، شاید ازهمین‌رو به زندگی مختصر عادت داشتند. خیلی دیر یعنی در میان‌سالی ادواج کرده بودند. هر دو کارمند بودند، اما مشتاقانه برای فعالیت‌های داوطلبانه وقت می‌گذاشتند. پادشاهان زندگی خود بودند، همان درآمد متوسطشان را سخاوتمندانه به نیازمندان می‌بخشیدند و اگر کمکی از دستشان برمی‌آمد فروگذار نمی‌کردند. زندگی متوسطی داشتند؛ با وام، خانه‌ای خریده بودند با حیاطی کوچک که سگشش را یک عمر پرداخت کرده بودند و جزه‌به‌جز آن را با سلیقه چیده بودند و با وسایل ساده و قروتانه. در خانه همیشه باز بود و بساط پذیرایی به‌راه. همین در باز باعث شده بود که من هم با جمع بچه‌ها به خانه‌شان وارد شوم. حلقه‌ای از دوستان خوب برای خودشان شکل داده بودند. در ظاهر مونا شکسته‌تر بود، بیماری شبیه به پارکینسون داشت که عضلات صورت و دست‌هایش می‌لرزید، اما دست‌ها در مهربانی نمی‌لرزید و بر زندگی مسلط بود و دوام‌وقت کار می‌کرد. چندماه بادی برای کار به شهر دیگری رفته بود، مونا همچنان به بهانه‌های مختلف دورهمی برگزار می‌کرد. چندبار دعوت‌مان کرد که شکلات و شیرینی بیزیم و انصاف در نهایت، آنچه خودش پخته بود از دست‌پخت همه بهتر بود. همیشه فکر می‌کردم بازنستسگی فرصتی برایشان خواهد بود تا در حیاطشان بنشینند و خاطرات را مرور کنند و از هم‌صحبتی دوستان لذت ببرند. باورم نمی‌شد آن خانه، همه وسایل و انبوه خاطراتش را بفروشد و راهی شوند. حالا نزدیک به دو سال است که در رومانی زندگی می‌کنند؛ شده‌اند پادشاهان رومانی. مگر پادشاهی جز این است که در چشم برهم‌زدنی از همه تعلقات دست بکشی، در قاره‌ای جدید، زندگی‌ای نو برای خود تعریف کنی، برای دوستان در کشوری دور خلعتی بفرستی و آرزو کنی در روزی نه‌چندان‌دور کشورهای دیگر را نیز ششف کنی. مادام که رویا هست، سن فقط یک عدد ناچیز است، همین.